

چکیده محتوایی

بیان مدعا (دکتر گرجیان): حکیم آقاعلی مدرس زنوزی را به حق می‌توان از مفاخر جهان تشیع و مهم‌ترین شخصیت بعد از صدرالمآلهین در حکمت متعالیه دانست، که نوآوری‌های مهمی را در عرصه حکمت صدرایی از خود به جا گذاشته است. از جمله نوآوری‌های وی نظریه بدیع‌اش درباره معاد جسمانی در تعلیقه بر اسفار و هم در سبیل الرشاد است. وی مدعی است که این تفسیر از معاد جسمانی متشرعانه‌تر از نظریه ملاصدرا پایه‌گذاری گردیده است و اصول عقلی و نقلی پشتوانه آن می‌باشد؛ اما بنده بر این باور هستم که ادله عقلی و نقلی اقامه شده از جانب حکیم مؤسس زنوزی بر مدعای خویش در معاد جسمانی دچار نقصان است و نمی‌توان آن را بدیل یا مکمل دیدگاه صدرالمآلهین دانست. بر اثبات این سخن، ادله عقلی و نقلی وی به نقد کشیده شده، محاکمه‌ای میان او و ملاصدرا به انجام رسید و در نهایت، برتری دیدگاه حکیم شیرازی بر دیدگاه آقاعلی مدرس زنوزی برای مخاطب روشن می‌گردد.

ناقد اول (حجت الاسلام دکتر رضائیا): در صفحه 187 مقاله آورده اید که آخرت دار قرار است و دار بوار و کون و فساد نیست، درحالی‌که اگر بدن دنیوی با خصوصیات ماده و زوال پذیری در قیامت حاضر شود، بین دنیا و آخرت فرقی نخواهد بود. که این درست است اما جناب زنوزی نمی‌گوید که همین بدن عنصری با همین خصوصیات مادی خودش در آنجا حاضر می‌شود. در همان صفحه می‌فرماید حکیم مؤسس همچون ملاصدرا علت مرگ را قطع ارتباطات نفس از بدن می‌داند درحالی‌که این سخن با نظریه وجود ودایع بقای بدن مغایر است. سوالی دیگری از جواب دکتر دارم این‌که در بحث رجعت جناب صدرا نظرش این است که وقتی انفاس به عبارتی نفوس به عوالم بالا رفتند و هیچ توجهی به اجساد دنیایی خودشان ندارند، رجعت را ایشان چگونه می‌توانند تبیین کنند؟ علت عدم اندراس بعضی از اجساد چیست. در صفحه 193 آوردید که سوال اینجاست که چگونه ممکن است بدن دنیوی با حفظ مادیت و جسمانیت خود به جایگاه تجرد و مقام عالی عروج کند؟ ایشان می‌گویند من که نگفتم با حفظ مادیت می‌خواهد عروج کند، همین که افتاد در مسیر صیورورت دارد آرام‌آرام از مادیت فاصله می‌گیرد، الی الله الرجعی، شما هم زیبا فرمودید وجود داره ارتقا پیدا می‌کنه تحت حرکت جوهری و لذا هر زمان نو می‌شود. چه اشکالی داره که این بدن عنصری هم در گردونه حرکت جوهری ارتقا وجودی پیدا کند، جناب حکیم شما برا چی اصلا اون رو مطرح می‌کنید؟ که ایشان می‌گویند برای توجیه رجعت. ناقد دوم (حجت الاسلام دکتر عزیزی علویجه): در هر دو دیدگاه اصول فلسفی دیدگاه‌ها تحلیل شده اما خروجی این اصول به عنوان یک نظریه منسجم برای مرحوم صدرا نیامده است. در صفحه 182 مقاله بین دو پاراگراف آخر ناسازگاری به ذهن میرسد که یک تحافت است که به ذهن می‌رسد و بایستی تبیین شود. ودایعی که اقا علی مدرس ذکر کرده و نقطه ثقل است، مستند ایشان فقط روایات است. بعید است که ایشان این ودایع را صرفاً از روایات گرفته باشد. اینکه می‌فرمایید حقایق این ودایع را مشخص نکرده است، به نظر می‌رسد که ماهیت این ودایع را ایشان مشخص کرده و آورده است، لذا این ودایع ماهیت آن مشخص هست با عبارتی که از ایشان هست. حضرتعالی می‌فرماید ودایع از دو حال خارج نیست، یا این ودایع اعتباری اند یا حقیقی که قابل مناقشه هست. مرحوم صدرا می‌فرماید ملاک تعدد ابدان به نقش است. یک تعدد عبارتی وجود دارد که بالاخره معلوم نیست که این ودایع در کدام بدن ذخیره میشود، مخزن ودایع چیست؟ محل ودایع کجاست؟ بدن عنصری یا بدن مثالی؟ جایی گفته اید که روایت آقا علی معارض دارد، ای کاش روایت معارض را می‌آوردید و وجه دلالت بر مدعا نیز بیان می‌شد. این انتقال بدن به روح گاهی به معنای عروج و گاهی به معنای انتقال مکان هست که دارای تعرض است. نکته آخر اینکه بنده نفسانیت نفس را به تعلق بدن نمی‌دانم.

مدیر کرسی (آقای علی آبادی): نسبت به جمع بندی نقدها اقدام نموده و اعلام نمودند که از حاضرین در جلسه چه به صوت آنلاین و چه به صورت حضوری اگر شخصی سوالی در مورد کرسی دارد ارائه نماید.